

«بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين»

«تهیه کننده: آفرین قائمی»

حاج سید صادق حسینی شیرازی از نوادگان زید بن علی بن الحسین بن امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و پرورش یافته خاندانی معروف و شاخص در فقهات و مرجعیت در طول ۱۵۰ سال اخیر است. حاج سید صادق حسینی شیرازی در ۲۰ ذی الحجه ۱۳۶۰ ق. در کربلای معلی و در میان خاندان شیرازی متولد شد. در آن خاندان رسم بر این بود که کودک را به تحصیل علم و دانش بگمارند از این رو وی هم به تحصیل علوم اهل بیت (علیهم السلام) پرداخت و در سن ۱۰ سالگی طبق سنت خانوادگی ملبس به لباس مقدس روحانیت شد و در کنار مضجع نورانی دو گوهر گرانبها و عظیم القدر حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) به تحصیل پرداخت و از انوار الهی آن دو منبع شریف بهره وافر برد. وی خیلی زود مراحل مقدمات را از پدر آموخته وارد حوزه علمیه شد. سپس دروس معمول حوزه های علمیه، مراحل سطح و خارج را از علمای بزرگ زمان خود فرا گرفت تا به درجه عالی حوزه یعنی اجتهاد نایل گردید.

وی از دیرباز تا به امروز در هر نشستی که دارند وارد مباحث گوناگون علمی و امور مرتبط به شیعیان در زمان غیبت حضرت بقیة الله الأعظم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شوند و از هر فرصتی هرچند کوتاه مدت، برای مطرح کردن فرعی فقهی یا مسأله ای اصولی و مباحث گوناگون، با سابقه طولانی پنجاه ساله استفاده می کند تا منویات خود را منتشر نماید.

عُرفیت در فهم اخبار

فهم و شناخت وی از اخبار و روایات، ناشی از لحاظ داشتن عرف و تطبیق الفاظ و مدلول دلالات بر فهم عرفی و استفاده از آن در استنباط احکام شرعی می باشد. نزد وی این ویژگی یکی از مهم ترین شرایط صحت استنباط است که خدای متعال به اهمیت آن در قرآن مجید اشاره نموده و می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...»؛ و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقائق را] برای آنان بیان کند. در این زمینه نگرش وی از چند ویژگی برخوردار است:

۱. قدرت فهم عرفی و ارتباط تنگاتنگ وی با عرف، تا آن جا که این ویژگی وجه تمایز ایشان نزد فقهاء حوزه های علمیه شده است؛ ۲. تصنیف و تدریس و تعلیم دائم ادبیات عرب؛ ۳. مرور و استفاده بسیار فراوان از علوم و ادبیات لغت عربی از جمله: معانی، بیان، بدیع، نحو و صرف؛ ۴. استخدام علمی تمام موارد فوق در استنباط شرعی که در اصول و فقه وی کاملاً مشهود و آشکار است؛ ۵. آشنایی و نزدیکی کامل به محیط های عرب زبان و محاورات عرفی زبان عرب. برادرش مرجع راحل، حاج سید محمد حسینی شیرازی نیز در مسائل احتیاطی خود، مقلدان را به ایشان ارجاع می دادند! و در تمام عرصه ها، به ویژه امور علمی، حوزوی، مراجعات، استفتائات و... بازوی راست و کارآمد مرجعیت برادر بزرگ خود به شمار می رفت.

اساتید

از جمله اساتید وی می‌توان حضرات زیر را نام برد:

- پدرشان مرحوم آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی؛ ۱۳۰۴-۱۳۸۰ق؛
 - برادرشان مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی؛ ۱۳۴۷-۱۴۲۲ق؛
 - برادرشان شهید آیت الله حاج سید حسن حسینی شیرازی؛ ۱۳۵۲-۱۴۰۰ق؛
 - مرحوم آیت الله العظمی شیخ محمد رضا اصفهانی؛
 - مرحوم آیت الله شیخ محمد شاهرودی؛
 - مرحوم آیت الله شیخ محمد صدقی مازندرانی؛
 - مرحوم آیت الله شیخ جعفر رشتی؛ و دیگر اساتید محترم حوزه علمیه کربلا معلی و نجف اشرف که هر کدام در زمان خود استوانه علم و دانش بودند.
- درس‌های اخلاق ایشان در چندین مجلد به چاپ رسیده که می‌توان به کتاب «نسیم هدایت» (۴ جلد)، «درسنامه امام صادق (علیه السلام)»، «ای اباذر این‌گونه باش»، «نفحات الهدایه»، «زیور خوبان»، «العلم النافع»، «احیاء عاشوراء»، «المرأه و العائله»، «شمیم رحمت»، «سرچشمه زلال غدیر» و... اشاره نمود.
- ایشان تألیف را در سن جوانی آغاز کرده و تاکنون نیز دنبال میکنند و در علوم مختلف اسلامی، شامل فقه، اصول، اعتقادات، و تاریخ و جز آن تألیفاتی دارند. حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه در سال ۱۳۹۸ق. یعنی بیش از ۴۸ سال پیش کرسی تدریس خارج را بنا نهادند و درس خارج فقه و اصول ایشان پر رونق شد. شاگردان وی، خود منشأ تبلیغ افکار و مرام او در سرزمین‌های خود شدند و پس از مراجعه به اقصا نقاط عالم اسلامی اعم از ایران، سوریه، عراق، حجاز، کویت و غیره توانستند آن‌چه را که از استاد فراگرفته بودند، به دیگر بلاد اسلامی آموزش بدهند.

تألیفات:

بیان الفقه (شرح کتاب عروۃ الوثقی): این مجموعه که در موضوع اجتهاد و تقلید و براساس کتاب عروۃ الوثقی (تألیف محقق کبیر سید محمد کاظم یزدی^(قدس سره)) است، در ۴ جلد به چاپ رسیده است. مؤلف به شیوه فقه استدلالی به تشریح دیدگاه‌ها و بیان دلایل و مبانی مصنف و تبیین نظریات خود می‌پردازد. این کتاب در کربلای معلا و با اضافات و بازنگری جدید در قم به چاپ رسیده و ما بقی مجلدات آن در دست اقدام می‌باشد.

بیان الاصول (۱۰جلد): یک جلد آن مربوط به قاعده «لاضرر ولا ضرار» و سه جلد آن درباره «استصحاب» و یک جلد آن پیرامون «قطع و ظن» و یک جلد آن «تعادل و ترجیح» می‌باشد و در قم و لبنان به چاپ رسیده است. و مابقی مجلدات آن نیز در دست اقدام است. این کتاب شامل مجموعه‌ای از اقوال، اشکال‌ها و نقدهای اصولیون مختلف است که نویسنده با بررسی آنها نظریه خود را در هر مورد از مباحث اصولی مستدل ساخته است. بیان الاصول از تألیفات ایشان در شهر مقدس قم می‌باشد و تاکنون چندین مرتبه چاپ گردیده است. آخرین چاپ آن در سال ۱۴۲۶ق. در قم می‌باشد.

توضیح شرائع الاسلام (۴جلد، تألیف سال ۱۳۴۷ش.): شرح تعلیقی و توضیحی بر کتاب شرایع الاسلام (تألیف محقق حلی^(قدس سره)) شامل هزاران تعلیق و توضیح در مختلف ابواب فقهی از عبادات و معاملات و ایقاعات و غیره می‌باشد. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۷ق. بوده و مورد توجه حوزه‌های علمیه و دانشگاهیان قرار گرفته و حتی به عنوان کتاب درسی و پایه نیز برای آنان تعیین گردیده و تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است.

شرح تبصرة المتعلمین (۲جلد، تألیف سال ۱۳۴۲ش.): شرحی مزجی بر کتاب «تبصرة المتعلمین فی احکام الدین» مرحوم علامه حلی^(قدس سره) است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا در سال ۱۳۸۲ق. می‌باشد و تاکنون چندین بار تجدید چاپ گردیده است.

شرح السيوطی (۲جلد، تألیف سال ۱۳۴۶ش.): شرح تعلیقی است بر کتاب «البهجة المرضیة فی شرح الالفیة». این کتاب از کتب علمی و درسی حوزه‌های علمیه در علم نحو و از تألیفات ایشان در کربلای معلا به تاریخ ۱۵ شعبان ۱۳۸۶ق. است. به دلیل استقبال طلاب حوزه‌های علمیه چندین بار تجدید چاپ شده است.

شرح اللمعة الدمشقیة (۱۰جلد): شرحی جامع و کامل بر کتاب «شرح اللمعة الدمشقیة» تألیف شهید ثانی^(قدس سره) که از مهم‌ترین کتب درسی در حوزه علمیه می‌باشد و تاکنون به چاپ نرسیده است.

الموجز فی المنطق (تألیف سال ۱۳۴۴ش.): شامل بر اصول منطق به روشی واضح و روشن می‌باشد که برای طلاب مبتدی در حوزه‌های علمیه نوشته شده و در برخی از حوزه‌ها جزء برنامه درسی قرار گرفته است. این کتاب از تألیفات ایشان در کربلای معلا به تاریخ ۱۳۸۴ق. می‌باشد.

علی^(علیه السلام) فی القرآن (۲جلد): آیات فراوانی در بیان عظمت و فضیلت امیرمؤمنان^(علیه السلام) در قرآن کریم نازل شده است که در این کتاب ۷۱۱ آیه را از مصادر و کتب معتبره در نزد عامه استخراج کرده‌اند که در میان کتاب‌های نوشته شده در این باب، تک است، این کتاب در کربلای معلا تدوین یافته و تا به حال در ۸ نوبت به چاپ رسیده است.

فاطمة الزهرا^(علیها السلام) فی القرآن: این اثر شامل آیاتی است که پیرامون حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا^(علیها) نازل شده و براساس مصادر و کتب عامه و در قم تألیف شده و تاکنون ۷ بار تجدید چاپ شده است.

اهل البيت (عليهم السلام) في القرآن: این کتاب نیز شامل آیاتی است از سوره فاتحه تا کوثر که در آن دهها آیه مبارکه که در شأن با عظمت اهل البيت (عليهم السلام) وارد شده، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در نگارش این کتاب از مصادر و کتب معتبره در نزد عامه بهره‌برداری شده است. این کتاب از تألیفات وی در کویت می‌باشد.

المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) في القرآن: این کتاب شامل ۱۱۰ آیه از قرآن کریم است که پیرامون حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده و بر اساس مصادر و کتب عامه تألیف شده و تاکنون بارها به چاپ رسیده و ترجمه فارسی آن به نام موعود قرآن می‌باشد.

المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) في السنة: این کتاب شامل مجموعه زیادی از روایات پیرامون حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده و تمامی مصادر آن از کتاب‌های عامه و از تألیفات وی در کربلای معلای می‌باشد و تاکنون چند بار چاپ شده است.

الشيعة في القرآن: شامل آیات شریفه‌ای از قرآن کریم است که در شأن و مقام شیعیان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیهما السلام) می‌باشد. شأن نزول، تأویل و تفسیر این آیات از کتب و مصادر عامه می‌باشد که توسط ایشان جمع‌آوری و تدوین شده است.

حقایق عن الشيعة: این کتاب که طرح و پاسخ بعضی از اشکالات و شبهات و تهمت‌های مخالفین به مکتب تشیع است، به شکل گفت‌وگو بین یک شیعه و یک سنی تنظیم شده است. کتاب فوق از تألیفات ایشان در کربلای معلای بوده و تاکنون دهها بار به چاپ رسیده است. ترجمه فارسی آن به نام شیعه و اتهامات ناروا می‌باشد.

القياس في الشريعة الإسلامية: این کتاب مسأله مهم قیاس و احکام آن در شریعت و دین اسلام را مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد و از تألیفات او در کربلای معلای می‌باشد.

صلاة الجماعة: این کتاب شامل مجموعه‌ای از احادیث در فضیلت نماز جماعت و بیان فلسفه و احکام آن و از تألیفات ایشان در کویت می‌باشد. اینها بخشی از معظم تألیفات ایشان است. شایان ذکر است که تعدادی از کتاب‌های ذکر شده به زبان‌های فارسی، انگلیسی، اردو، آذری، کردی، بنگالی، سواحلی، هندی، اندونزی، ترکی، برمه و دیگر زبان‌ها نیز ترجمه و چاپ شده است.

مؤسسات علمی و فرهنگی تحت اشراف سید صادق شیرازی

حاج سید صادق حسینی شیرازی همواره سعی و تلاش فراوانی بر گسترش علوم و فرهنگ مد نظر خویش با تأسیس مؤسسات و مراکز دینی، علمی، فرهنگی، خیری و خدماتی بوده است. از جمله در قوالب حوزه‌های علمیه و حسینیه‌ها، مساجد، هیئات، مواکب، مدارس، کتابخانه‌ها، انتشارات و درمانگاه‌ها، صندوق‌های قرض-الحسنه و شبکه‌های ماهواره‌ای اسلامی و رادیوها زیر نظر ایشان در نقاط مختلف دنیا مشغول به فعالیت هستند.

<https://alshirazi.org/biography-archive?langs=FA>

انحرافات خاندان شیرازی

خانواده «شیرازی‌ها» از جمله خاندان‌های علمی شهر کربلا بودند. پدر سید صادق شیرازی، مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی شیرازی از مراجع وقت کربلا به‌شمار می‌آمد که در سال ۱۳۳۹ دار فانی را وداع گفت. وی ۴ فرزند به نام‌های سید محمد، سید حسن، سید صادق و سید مجتبی داشت. چند سال بعد از رحلت پدر، سید محمد شیرازی فرزند ارشد وی که در آن زمان کمتر از ۴۰ سال سن داشت! اعلام مرجعیت کرد. این ادعای مرجعیت او در حالی مطرح شد که اساتیدش از جمله آیت‌الله شیخ یوسف خراسانی حائری در جواب عده‌ای درباره مرجعیت سید محمد اعلام کردند که «سید محمد شیرازی قطعاً مجتهد نیست و تقلید از او جایز نیست.»

این رد مرجعیت و صلاحیت علمی او توسط آیت‌الله العظمی خویی بزرگ حوزه علمیه نجف و آیت‌الله سید محمود شاهرودی نیز اعلام شده بود. هم‌چنین شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر نیز درباره شیرازی‌ها اعلام کرده بود، «شیرازی‌ها به هیچ‌کس از بزرگان حوزه علمیه نجف رحم نکردند و ما برای مقابله با فتنه سکوت کردیم و شکایت خود را نزد خداوند متعال می‌بریم.»

با ورود امام خمینی^(ه) به عراق در جریان تبعید، سیدمحمد شیرازی ابتدائاً به حمایت از امام راحل پرداخت و در چند روز اقامت امام در کربلا، محل اقامه نماز خود در این شهر را نیز به ایشان سپرد، اما به مرور زمان از انقلاب اسلامی فاصله گرفت و زمانی که برای در امان ماندن از حزب بعث عراق راهی کویت شده بود، بیت خود در کویت را به محل رفت و آمد عناصر ساواک تبدیل کرد. آیت‌الله خاتم‌یزدی عضو دفتر امام در نجف و از اعضاء جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در خاطراتش می‌نویسد: «بعضی از دوستان و هواداران حضرت امام مثل آقای محتشمی‌پور و آقای فردوسی‌پور که برای سخنرانی و امور دیگر به کویت می‌رفتند، نقل می‌کردند که بیت و بیرونی آقای شیرازی، پاتوق مأموران ساواک ایران است و خود ایشان هم به ما توصیه می‌کند که دست از مبارزه علیه شاه برداریم و سخنی بر ضد رژیم نگوییم.»

همچنین سیدمحمد شیرازی قرار بود در ایام اقامت امام خمینی در نوفل‌لوشاتو به فرانسه سفر کند و نقش واسطه بین رژیم پهلوی و امام را بازی کرده و به نوعی این دو را باهم آشتی دهد. خبرنگار خبرگزاری فرانسه ۱۳۵۷/۸/۳ ش. از امام چنین می‌پرسد: شما آقای مهندس بازرگان را به حضور پذیرفتید و آقای دکتر کریم سنجابی نیز به پاریس می‌آید و گفته می‌شود آیت‌الله شیرازی (سید محمد شیرازی) هم خواهد آمد. معروف است که همه اینها هوادار سیاست آشتی هستند. آیا شما به این سیاست ملحق می‌شوید؟ آیا فکر می‌کنید در میان مخالفان سیاسی، جبهه ملی و دیگران، مردانی با وزن و اعتبار کافی برای جانشینی این دولت وجود دارد؟

امام پاسخ دادند: «من با روش آشتی و بینابینی مخالفم و از اول هم با این روش مخالف بودم. علت هم آن است که این کار نه رژیم شاه را از بن‌بست خارج می‌کند چرا که علت در بن‌بست قرار گرفتنش برنامه‌هایی است که مأمور اجرای‌شان بوده است و نه از فشار و اختناق و کُشت و کشتار می‌کاهد.» (صحیفه نور، ۱۳۵۷/۸/۰۳) با

پیروزی انقلاب اسلامی، خاندان شیرازی که تحت تعقیب عوامل حزب بعث بودند، راهی ایران شدند. سید محمد شیرازی به همراه برادرانش در قم ساکن شد و به فعالیت‌های علمی خود ادامه داد با این حال ناسازگاری او با خط مشی امام خمینی^(ره) همچنان ادامه یافت.

جمهوری اسلامی بستری برای فعالیت آزادانه شیرازی‌ها در قم فراهم کرد تا از آزار و اذیت حکومت صدام در امان باشند. امام خمینی^(ره) نیز بعد از شهادت سیدحسن شیرازی در بیروت، پیام تسلیتی خطاب به سیدمحمد شیرازی صادر کرده، فرمودند: «در این گونه ترورهای ناجوانمردانه که به وسیله ایادی مزدور بعث عراق صورت می‌گیرد، دست جنایتکار آمریکای جهانخوار به وضوح پیدا است؛ که امید است با هوشیاری و اتحاد کامل مسلمانان به زودی قطع گردد.» با این حال بیت آنها هم‌چنان مشی مخالفت با انقلاب را در پیش گرفتند و به‌رغم اینکه برادر سیدمحمد شیرازی در بیروت به‌دست بعثی‌ها ترور شده بود، وی فتوا به حرمت جنگ علیه عراق داد! اقدامی که عملاً به نفع رژیم بعث عراق بود و در طول آن دوران وی و سایر اعضای خاندان شیرازی حرفی علیه صدام در جنگ تحمیلی نمی‌زدند.

با وفات سیدمحمد، برادرش سیدصادق شیرازی اقدام به اعلام مرجعیت کرد و اداره بیت شیرازی‌ها و مؤسسات تابعه را در دست گرفت. در حدود دو دهه مرجعیت سیدصادق شیرازی، وی در اقدامی مشکوک که نیازمند هزینه‌های بسیار زیادی است، چندین شبکه ماهواره‌ای راه‌اندازی کرد که می‌توان از جمله آنها شبکه جهانی مرجعیت، فدک، سلام، الانوار، خدیجه، الزهرا، امام حسین ۱ و ۲ و ۳، المهدی و رقیه، ابوالفضل العباس^(علیهم السلام) و... را نام برد. تمام این شبکه‌ها دو سیاست اصلی را پیگیری می‌کنند: ۱. اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی؛ ۲. تبلیغ مراسم‌هایی و هن‌آمیز مانند قمه‌زنی، به‌روی ذغال داغ راه رفتن و... این روند تا جایی ادامه یافت که در سال‌های اخیر، ایام هفته وحدت از طرف سیدصادق شیرازی به هفته برائت نام‌گزاری شد و در روز نهم ربیع‌الاول دسته‌ای در قم راه انداخته و به‌طور علنی مقدسات اهل سنت را به تمسخر گرفتند و مراسم قمه‌زنی در بیت سیدصادق شیرازی با حضور وی انجام می‌گیرد.

برادر دیگر وی، سیدمجتبی شیرازی نیز در انگلستان مستقر است و بارها با حضور در شبکه‌های وابسته به این جریان، اهانت‌های مستقیمی را به مراجع تقلید از جمله رهبر معظم انقلاب^(دام‌ظله) و آیت‌الله بهجت^(ره) نسبت داده است. برای مثال، آیت الله بهجت^(ره) را در سخنانی کافر، ملحد و زندیق می‌نامد. از دیگر اقدامات آنها پر و بال دادن به طلبه‌ای جوان و افراطی به‌نام «یاسر الحبيب» است. وی در سال ۲۰۰۱م. هیئتی به‌نام «خدام المهدی^(عج)» در کویت تأسیس کرد. ولی به‌دلیل تندروی‌هایش زندانی و پس از مدتی آزاد شد و به لندن رفت، جایی که سید مجتبی شیرازی برادر کوچک‌تر صادق شیرازی از سال‌های دهه پنجاه در آن‌جا سکونت دارد. او با راه‌اندازی شبکه‌ای ماهواره‌ای به‌نام فدک و محلی به‌نام فدک‌الصغری در اطراف لندن آزادانه به ترویج عقاید افراطی خود و اختلاف‌افکنی میان شیعه و سنی می‌پردازد.

خاندان شیرازی‌ها که قریب ۵ دهه قبل یک جریان علمی و فقهی در عراق و به‌ویژه شهر کربلا به‌شمار می‌رفتند، به دلیل نزدیکی به سیاست‌های دشمنان انقلاب در سال‌های گذشته به یک فرقه تبدیل شده‌اند که

تنها کار ویژه آنها ضدیت با مبانی تشیع و نشان دادن یک چهره خشن و منزجرکننده از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است. از آخرین اقدامات این جریان علیه جمهوری اسلامی، حمله به سفارت ایران در لندن بود. روز جمعه ۱۹ اسفند ۹۶ عده‌ای که لباس سیاه بر تن داشتند، با ورود به بالکن سفارت ایران، پرچم جمهوری اسلامی را برداشته پرچم خود را تکان دادند. این حمله آنها با ورود دیر هنگام پلیس لندن خاتمه یافت و چند ساعت بیشتر طول نکشید. انگیزه حمله‌کنندگان، اعتراض به دستگیری سیدحسین شیرازی فرزند سیدصادق شیرازی بود.

حمله به سفارت ایران توسط تشیع لندنی در حالی اتفاق افتاد که این فرقه در سال‌های اخیر تحت حمایت دولت کامل دولت انگلیس به دشمنی با جمهوری اسلامی ایران و اختلاف‌افکنی افراطی میان شیعه و سنی می‌پردازد. به گزارش جهان نیوز، حمید بعیدی‌نژاد، سفیر ایران در انگلیس در حساب توئیتری خود حادثه را این‌گونه روایت کرد: «تعداد اندکی به سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن تعرض کردند و با شکستن پرچم در حال شعار علیه مقامات کشور و لعن عایشه، ابوبکر، عمر و عثمان هستند. آنها به‌هنگام ورود با چماق و قمه دیده شدند. پلیس در محل حاضر شده است.»

منبع: تسنیم؛ وکیل اسبق سیدصادق شیرازی در لبنان افشا کرد:

یک روحانی به نام شاکر الابراهیمی که از نزدیکان سیدصادق شیرازی بوده، ضمن برائت از وی در نامه‌ای افشاگرانه از انحرافات عجیب این جریان پرده برداشته که با مطالعه آن، منشأ حرکات وهن‌آلود این گروه هم‌چون حمله به حرم‌ها برای لیس زنی، قمه‌زنی، تیراندازی و مانند اینها بیش از پیش نمایان می‌شود. اصل نامه شاکر الابراهیمی به زبان عربی است و در متن پیش‌رو تنها به قسمت‌هایی از این نامه تکان‌دهنده که به فارسی ترجمه شده، عرضه می‌شود.

***امام رضای زنده!**

شاکر الابراهیمی در این نامه می‌نویسد: سید حسین شیرازی، پسر سیدصادق شیرازی، اعضای دفتر پدرش را همواره بابت زیارت حرم امام حسین (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) تقیب می‌کرده و به آنها می‌گفت که همین‌جا به امام رضای زنده که مرجع شما است، یعنی سیدصادق شیرازی، خدمت کنید. اعضای دفتر هم به اطاعت از او، به زیارت نمی‌رفتند.

***امام زمان در حاشیه:** سید حسین شیرازی همان‌گونه که نسبت به زیارت قبور ائمه (علیهم السلام) به اعضاء دفتر سیدصادق شیرازی سخت‌گیری می‌کرده است، امام زمان (عج) را هم در این دستگاه به حاشیه برده است و از ایشان مطلقاً، مگر به قدر ضرورت یاد نمی‌کند.

*اذعان سیدحسین (فرزند سیدصادق) به این نکته که افراد متشرع در پروژه تبلیغ مرجعیت شیرازی‌ها به دردمانمی‌خورند! خودش هم، چون مسئولیت‌های تبلیغاتی را برعهده داشت کاملاً از فضای دینی و تقوا فاصله گرفت و به مطالعه سبک زندگی غربی‌ها می‌پرداخت و روی جزئیات زندگی کیم کارداشیان تسلط داشت!

*هرچه خامنه‌ای بگوید ما عکس آن فتوا می‌دهیم: از فرقه شیرازی، فتاوی عجیب و غریبی بعضاً دیده می‌شود که ریشه برخی از آنها از این سخن سید حسین شیرازی مشخص می‌شود، زیرا سیدحسین می‌گوید اگر روزی آقای خامنه‌ای از نظرش را درمورد قمه‌زنی تغییر دهد (و حلالش کند)، ما آن را حرام اعلام می‌کنیم!

*خود برترینی نسبت به همه: طبق گفته شاکرالابراهیمی، سیدمهدی شیرازی معتقد است که خداوند آنها را برای آقایی و رهبری آفریده و بقیه را برای حمالی و بارکشی و فعالیت در جهت آقایی آنها خلق نموده است. خاندان شیرازی، با خودبرترینی و غروری همانند بنی‌اسرائیلی‌ها ادعای برگزیده بودن دارند، مرجعیت اعلی را منحصر در خانواده خود می‌دانند و توهم دارند که مراجع قم و نجف را هم آنها به مرجعیت رسانده‌اند.

* فقط آن‌چه را که ما مجاز می‌شماریم، بخوانید: شیرازی‌های به طلبه‌های طرفدار جریانشان فقط اجازه مطالعه کتاب‌های تالیف شده توسط خاندان شیرازی را داده‌اند و از مطالعه آراء و اندیشه متفکرین اسلامی منع می‌شوند. البته در این امر، خود خاندان شیرازی و نوه‌ها مستثنی بوده و می‌توانند مطالعات آزاد داشته باشند.

*استفاده از ساده‌دل بودن مردم: سید حسین شیرازی در واکنش به تذکرات اطرافیان در مورد دروغگویی‌هایش و احتمال رسوایی میان مردم، به وی می‌دادند، گفت: من پسر مرجع تقلیدم و کسی به من گمان بد نمی‌کند و این کربلایی‌های ساده آن‌قدر کورکورانه به ما اعتقاد دارند که نمی‌گذارند کسی به ما اتهامی بزند!

* آتو گرفتن برای بقا / رشوه برای بستن دهان‌ها: سیدحسین شیرازی، با روش‌های کثیفی مانند پرستو فرستادن برای افرادی که احتمال می‌داده دردرساز شوند، آتو جمع می‌کرده و وقتی درمورد این رفتارهای غیرشرعی او به پدرش سیدصادق اعتراض شده، او پاسخ داده که آقا حسین شوخی می‌کند. هرچند سیدحسین همیشه تلاشش را کرده تا مخالفان را با آتو گرفتن از دور خارج کند، ولی گاهی پیش آمده افرادی مثل مهندس(فردی عراقی که باعث جنجال در دفتر وی شده) پیدا شوند که برای ساکت ماندن‌شان و عدم افشاگری علیه فرقه شیرازی، مجبور شوند مبالغ هنگفتی به‌عنوان حق‌السکوت دادن به آنها، از جیب سیدصادق بپردازد.

* شدت حُب مقام در صادق شیرازی: سیدصادق شیرازی به هر وسیله‌ای قصد دارد به مقام المرجعیه الأعلی الدینی برسد و از شنیدن این لقب آن‌چنان ذوقی می‌کند که به لرزه می‌افتد و بارها اعلام کرده که من باید حداقل تا ۱۰۰ سالگی زنده بمانم.

* تغییر مسیر: طبق نظر شاگردان سیدمحمد(برادر بزرگ‌تر سید صادق) و سیدصادق شیرازی، اعتقاد این دو به ولایت‌فقیه حتی از معنایی که امام خمینی^(ع) معرفی می‌کرد، هم گسترده‌تر بود، ولی یکباره تغییر عقیده دادند و از ولایت‌فقیه به ولایت فرعون تعبیر کردند! ظاهراً دلیل آنها روایاتی است که از تشکیل حکومت در دوران ظهور

منع می‌کند؛ اما در واقع هوای مرجعیت خود از یک سو و دست‌نشانده شدن و تحریکات روباه انگلیس از سوی دیگر عامل اصلی این تحریکات و موضع‌گیری‌ها است.

* حذف متفکرین و منتقدین نامدار با بدنام کردن: سید صادق شیرازی برای شناسایی طلبه‌هایی که سودای مرجعیت در سر دارند و هم‌چنین کسانی که مستعد افشاگری علیه فرقه شیرازی هستند، طلبه‌ها را ترغیب به نوشتن خاطرات روزانه و هم‌چنین رساله می‌کرده است. آنها پس از شناسایی، توسط یاسرالحبيب علیه این‌گونه افراد با دروغ جوسازی کرده و آنها را ترور شخصیتی و در نهایت حذف می‌کردند. هم‌چنین با تعریف پروژه برای یاسرالحبيب، با تهمت‌زدن و توهین‌های کوچه بازاری به اشخاص محترم مخالف شیرازی‌ها، آنها را تخریب شخصیتی کرده و در بین مردم بدنام می‌کردند. در این پروژه حتی سیدمحمد شیرازی مرحوم، برادر بزرگ‌تر سیدصادق نیز در امان نمی‌ماند و شخصیت او هم برای حفظ جایگاه سیدصادق، تخریب می‌شود.

* خوداحیاگرپنداران زیارت اربعین: شاکرالابراهیمی در زمینه پیاده‌روی اربعین می‌نویسد: زائران اربعین حسینی حتما در مسیر نجف تا کربلا و خود شهرهای نجف و کربلا، موکب‌های متعددی که از این فرقه و شخص سید صادق شیرازی حمایت می‌کنند را مشاهده کرده‌اند. این خرج کردن‌های سنگین تبلیغاتی در مسیر نجف تا کربلا باعث شده که خاندان شیرازی مدعی احیاء سنت پیاده‌روی به سمت کربلا شوند و امام زمان (عج) را هم در این باره هیچ‌کاره می‌دانند. این درحالی است که موکب‌های این جریان، در این چند سال اخیر، همواره کانون ایجاد اختلافات بین زائران حسینی بوده است.

* بی سوادان شاه‌دزد: موسوعه (دایرةالمعارف) فقهی سیدمحمد شیرازی با کپی کردن از سایر کتاب‌های موجود نوشته می‌شود و به‌نحوی مطالب تولیدی آنها را برداشته و به نام خودشان منتشر می‌کنند. طلبه‌های سیدصادق شیرازی همان کتاب کپی شده را خلاصه می‌کنند و به نام موسوعه فقهی سیدصادق شیرازی منتشر می‌کنند!

* بی‌اعتباری بین خاندان: سیدصادق در بین خاندان شیرازی هم مورد اجماع نیست؛ به‌گونه‌ای که پس از فوت سیدمحمد شیرازی، برادر بزرگ‌تر سید صادق شیرازی، فرزندان سیدمحمد از عموی‌شان تقلید نکردند و عدالت و مرجعیت وی را زیر سؤال بردند. آنها به جای عموی‌شان از سیدتقی قمی تقلید می‌کنند.

* ملبس کردن بی سوادان: سیدصادق شیرازی بد رفتاری با خادمان و زیردستان که پس از عمری خدمت آنها را حذف کرده است، برای حفظ ظاهر دفتر و زیاد نشان دادن طلابش در مقابل رسانه‌ها، مجبور شده تعدادی بقال و کارگر و جوان که ریش بلندی داشتند را لباس روحانیت بپوشاند و آنها را مقابل دوربین‌ها بیاورد.

* تربیت شاگرد برای فحاشی: شاگردان فرقه شیرازی مانند سیدافغانی (روحانی پرنفوذ در دفتر سید صادق شیرازی)، به تبلیغ علیه مخالفان فرقه شیرازی مشغول‌اند و برای خود شاگردانی نیز جمع کرده و شاگردان خاص خود را با استناد به برخی اسرائیلیات و احادیث جعلی، به فحاشی و اهانت‌های سنگین علیه مخالفین تشویق می‌کنند. از این طریق علماء معاصر را مورد اهانت و فحاشی قرار می‌دهند. سیدحسین شیرازی با استفاده از

همین روش‌های سیدافغانی و اهانت‌ها و توهین‌های ناجور، وکلای اصفهانی سیدصادق را بی‌اعتبار می‌کرد تا دچار اصفهانی مستقیماً با دفتر خودش در ارتباط باشند و با این کار حق دلالی وکلای اصفهانی را حذف کرد.

* توهین به صحابه امیرالمومنین^(علیه السلام) توسط سید افغانی: سید افغانی که به‌طور علنی به صحابه جلیل‌القدر امیرالمومنین^(علیه السلام) اهانت و آنان را فاسق می‌دانست و آنها را سب می‌کرد (که چرا در روز هجوم به خانه آن حضرت از ایشان دفاع نکردند) مورد تایید شیرازی‌ها بوده و با وجود انحرافات عجیب جزء نورچشمی‌های سید صادق شیرازی است!

چند نکته مهم درباره فرقه شیرازی‌ها

در مورد اقدامات اعضاء فرقه شیرازی، نکاتی قابل ذکر است:

۱. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اقبال ملل مسلمان در کشورهای مختلف به برکت انقلاب اسلامی سبب اوج‌گیری حرکت انقلابی در بسیاری از کشورهای عرب و مسلمان شد. به همین دلیل سران کشورهای مرتجع منطقه و قدرت‌های استکباری حامی آنها روند تقابل با انقلاب اسلامی را در دو عرصه آغاز کردند. عرصه اول آنها مقابله مستقیم با نظام جمهوری اسلامی بود که طی آن اقدامات مختلفی نظیر تحریم‌های اقتصادی و نظامی، دامن‌زدن به توطئه تجزیه قومی از طریق گروهک‌های تجزیه‌طلب، ترور مسئولین نظام و پس از آن جنگ نظامی و تهاجم فرهنگی علیه نظام اسلامی در دستور کار آنها قرار گرفته که البته به‌رغم تضعیف بخشی از توان نظام جمهوری اسلامی ایران، دشمن در این عرصه توفیقی نداشت.

۲. اما عرصه دوم برنامه‌ریزی برای ایجاد فرقه‌های مذهبی جهت ایجاد انحراف در مسیر گرایش ملل مسلمان و به‌ویژه جوانان، به سمت انقلاب اسلامی بود که ایجاد گروهک‌هایی نظیر القاعده، طالبان و داعش مبتنی بر تفکر تکفیری وهابی برای جذب جوانان اهل سنت بود که محمد سلمان ولیعهد رژیم سعودی در گفت‌وگوی سه ماه پیش خود با گاردین به آن اعتراف داشت. اما مسیر دوم آنها در این عرصه معطوف به شیعیان بود که فرقه شیرازی با هدایت انگلیسی‌ها این وظیفه را عهده‌دار شد.

۳. اقدامات و آموزه‌های این فرقه علیه اهل سنت، محرک اصلی گروهک‌های افراطی نظیر داعش علیه شیعیان بود و آنها با استناد به فیلم‌ها و نوارهای سخنرانی این فرقه، خون شیعیان را مباح دانسته و آن فجایع عظیم را علیه مسلمانان روا داشتند و البته در این وقایع گروهک شیرازی در هدم خون مسلمانان با داعش شریک است. دامن‌زدن به اختلافات شیعه و سنی در مخالفت با راهبرد نظام جمهوری اسلامی برای وحدت میان مسلمانان، لعن آشکار و علنی علیه خلفاء اهل سنت، تبلیغ و انجام اقداماتی نظیر قمه‌زنی که وهن مراسم عزاداری را در پی دارد، از مجموعه تعالیم این فرقه است که البته هزینه‌های زیادی را بر جهان اسلام تحمیل کرد.

۴. در شرایطی که شبکه‌های ماهواره‌ای جمهوری اسلامی با تحریم گسترده کشورهای غربی مواجه است، اما این فرقه از امکانات گسترده ماهواره‌ای و استودیوهای ضبط و پخش در انگلیس و برخی دیگر از کشورهای منطقه برخوردار است که با توجه به ریخت‌وپاش‌های گسترده مالی سرسپردگی این فرقه آشکارتر می‌شود.

۵. سیدصادق شیرازی که اکنون این فرقه را مدیریت می‌کند، به همراه برادرش و داماد برادرش موسوم به یاسرالحبيب که گرداننده شبکه‌های ماهواره‌ای این فرقه است، نقش اصلی را در تحریک و تفرقه میان مسلمانان داشته، به گونه‌ای که یاسرالحبيب به دلیل مواضع تفرقه‌افکنانه‌اش در شبکه‌های ماهواره‌ای و نشریات این فرقه، از سوی مراجع بزرگوار نظیر آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله سیدمحمد باقر صدر و آیت‌الله مکارم شیرازی مورد تکفیر و نکوهش واقع شده است.

۶. این فرقه با تفرقه بین هیئات مذهبی و دسته‌جات عزاداری با سوءاستفاده از احساسات پاک جوانان مؤمن و ادعای دفاع از تمامیت رسوم شیعی بر اساس فتوای سید صادق و بر خلاف تدابیر نظام و اجماع مراجع، اقدام به قمه‌زنی، پیاده‌روی روی خار و مانند اینها نموده و این مراسمات را به عنوان سنت‌های شیعی از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ و نشر می‌دهد که البته وهن شیعیان را در جهان در پی دارد.

۷. سید صادق شیرازی و دیگر سران این فرقه، به رغم این تحرکات و سیاه‌نمایی‌ها از تحمل و سعه صدر نظام جمهوری اسلامی استفاده کرده و حتی با حمایت از فتنه‌گران به جریان‌سازی خود علیه نظام ادامه می‌دهند. در آخرین مورد سیدحسین فرزندی سید صادق در جلسه‌ای در قم، با زیرسؤال بردن شیوه و روش حضرت امام^(ره)، نظام ولایت فقیه را با فراعنه مصر هم‌سان دانسته و با زیرسؤال بردن دفاع مقدس مردم ایران علیه رژیم بعثی، جمهوری اسلامی را غیرپاسخگو خوانده بود. او مدعی شده بود که ولایت فقیه همان «من پروردگار بلند مرتبه تو هستم» (تفرعن) است و نه چیز دیگر.

۸. شیعه انگلیسی یا لندنی در مقابله با شیعه اثنی‌عشری:

سیدصادق شیرازی و تابعین علنا به بدگویی نسبت به مراجع معظم تقلید، شبهه‌افکنی و شیرازی‌هایی که مروج قمه‌زنی هستند، گاه با تشکیل هیئات خاص مریدان خویش و تحریف در ادبیات عاشورا و محتوای مداحی‌ها یا نوحه‌ها؛ گاه با اقدام به رفتارهای شنیعی چون لیس زدن ضریح امام رضا^(علیه السلام) در اعتراض به ایجاد محدودیت در زیارت اماکن مقدسه به دلیل شیوع بیماری کرونا؛ گاه با انداختن قلابه سگ به گردن در بین الحرمین کربلا و حرکت به سان سگان به سمت حرم، از یک سو با سوءاستفاده از احساسات مذهبی مردم درصدد ایجاد دوقطبی در جامعه هستند و از سوی دیگر، با اقدام غیرمعارف و غیراخلاقی خود زمینه سوءاستفاده رسانه‌های ضدانقلاب را فراهم می‌کنند.

از این دست اقدامات افراطی طرفداران سیدصادق شیرازی در سال‌های اخیر چهره‌ای شنیع و منزجرکننده از تشیع را به جهان مخابره و نشان می‌دهد، جریان وابسته به وی از هر بهانه‌ای برای ضربه به باورهای تشیع و کشور سوءاستفاده می‌کنند. بدعت‌گزاری در دین، اختلاف بین شیعه و سنی و... اقدام می‌کنند. در حالی که با

کوچک‌ترین تجمع اسلامی برخورد می‌شود، هر ساله قمه‌زنی در خیابان‌های لندن با مجوز دولت روباه پیر برگزار می‌شود. در ماجرای سوریه حتی زمانی که دشمن درصدد تخریب مرقد مطهر حضرت زینب (سلام... علیها) بود، هیچ عکس‌العملی از این فرقه نشان داده نشد! تشیع انگلیسی، شعبه‌ای از «اسلام آمریکایی» است. فرقه‌ای که با شهادت و جهاد نسبتی ندارد و نه تنها برای استکبار خطری ندارد که پیش‌برنده اهداف آنها نیز محسوب می‌شود.

«شیعه انگلیسی» ترجیح می‌دهد بر پیکر خونین امام حسین (علیه السلام) گریه و مویه کرده و بر جسم خود نیز از این داغ زخم زند، ولی هدفی در جهت اصلاح دین خدا نداشته باشد و بر تفرقه و اختلاف دامن می‌زند. حتی کار به جایی رسید که هفته وحدت را هفته «برائت» خواندند. انفعال پلیس انگلیس در مقابل حمله‌کنندگان به سفارت (تا جایی که آنها توانستند به بالکن سفارت راه یابند)، در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است. بدون شک در این خصوص شاهد اهمال خودخواسته و عامدانه دولت ترزا بوده‌ایم. نکته دیگر مربوط به اقدامات رسانه‌ای و تبلیغاتی افراد مهاجم در شبکه‌های رسانه‌ای وابسته به غرب بوده است.

برخی شبکه‌های غربی تصاویر حمله به سفارت ایران در انگلیس را به صورت زنده پخش کرده‌اند. این خود نشان‌دهنده هماهنگی کامل بخش‌های رسانه‌ای وابسته به برخی سرویس‌های امنیتی انگلیس و افراد مهاجم می‌باشد. به عبارت بهتر، در حادثه حمله به سفارت جمهوری اسلامی ایران به لندن، ما با حادثه‌ای طراحی شده و هدفمند روبه‌رو بوده‌ایم. تحلیل‌ها می‌گویند این بازی هدفمند از سوی سرویس‌های امنیتی، سیاسی و رسانه‌ای دولت انگلیس طراحی و اجرا شده است. بدیهی است که در این معادله، نمی‌توان ادعای دولت انگلیس مبنی بر عدم اطلاع از این موضوع را پذیرفت، زیرا رفتار پلیس و دیگر شواهد و مستندات، چیز دیگری را نشان می‌دهد!

مبانی بینشی - فقهی سید صادق شیرازی

شیرازی تأکید فراوانی بر استقلال حوزه‌های علمیه و مرجعیت شیعه از حکومت‌ها دارد. وی با صدور فتوایی مصادره وثیقه زندانیان سیاسی را به لحاظ شرعی جایز ندانسته و خرید، فروش و هرگونه تصرف در این اموال را غیرمشروع معرفی کرد. وی در سخنرانی خود در بهمن ۱۳۸۹، ضمن انتقاد از اعدام‌های ایران پس از انقلاب، آن‌ها را خلاف شیوه و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) دانست. او در ادامه سرکوب مردم و معترضان که خود پایه‌گذار انقلاب بوده‌اند، را نیز خلاف شیوه حکومت‌داری اسلام دانست. شیرازی، ضمن رد نظریه جدایی دین از سیاست، معتقد به پیوند و ارتباط مطلق بین دین و سیاست است. او معتقد است سیاست اسلام اصیل مغایر با سیاست کنونی حاکم بر کشورهای اسلامی است.

شیرازی در باب موضوع ولایت غیرمعصوم در زمان غیبت، حق زمامداری را متعلق به «شورای فقهاء مراجع» می‌داند. شیرازی و طرفدارانش ضمن نارضایتی عمیق از سیاست‌های حکومت ایران چندان وارد درگیری تند و مستقیم با این حکومت نمی‌شوند، اگرچه از کنایه و انتقاد هم دریغ نمی‌کنند. وی خطاب به علی صافی اصفهانی در مورد اقدامات او در زمینه نقد فلسفه و عرفان گفته‌است: «این مسیری که شما در آن قرار دارید (یعنی نقد فلسفه و عرفان و فصلنامه نورالصادق) واجب کفایی است، اما وقتی من به الکفایه نباشد، می‌شود

واجب عینی و چون فعلا من به الکفایه نیست، التزام به این مسائل (یعنی ارائه فصلنامه نورالصادق و تلاش‌های فرهنگی دارالصادق) بر شما واجب عینی است.

واحد استفتائات دفتر وی در پاسخ به استفتائی درباره وحدت اسلامی پاسخ داده: «اتحاد اسلامی به دو معنی است: ۱. اتحاد سیاسی مقابل غیرمسلمانان است که قرآن مجید به آن اشاره نموده و فرموده: «وَإِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» و این امت شما (در مقابل دشمنان) امتی واحد است و من پروردگار شمایم پس از مخالفت من بپرهیزید» (مؤمنون/۵۲) این اتحاد سیاسی تنافی با حفظ عقیده خود و ثبات بر تولی و تبری ندارد، زیرا تولی و تبری دو رکن مهم دین و واجب بوده و باید با استدلال و منطق، و به دور از تعصب و عناد بحث و گفت‌وگو کرد تا حق معلوم گردد و پیروی از حق شود.

۲. اتحاد فکری و عقیدتی است که این را قرآن مجید و حدیث شریف رد نموده و قرآن فرموده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» و همگی به ریسمان خدا (که امیرمؤمنان و اهل بیت عصمت و طهارت (صلوات الله علیهم) بوده) چنگ زنید و پراکنده نشوید» (آل عمران/۱۰۳) و صدیقه کبری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در فرازی از خطبه فدکیه خود فرمودند: «فجعل الله طاعتنا نظاماً للملّة و امامتنا أماناً للفرقة؛ خدای متعال فرمانبرداری از ما را وسیله نظام‌مندی و امامت ما را امان از تفرقه و پراکندگی امت اسلامی قرار داده است.» هم‌چنین وی در کتاب اسلام و سیاست می‌نویسد: «هرگونه تفرقه و جداسازی میان مسلمانان، از بدترین محرمات در اسلام به‌شمار می‌آید که موجب تشتت و پراکندگی امت واحد و هموار کردن راه برای تسلط کفار بر جهان اسلام و مسلمانان خواهد بود.»

وی در مورد تولی و تبری معتقد است: تولی و تبری در گفتار و کردار واجب بوده، مگر در موارد تقیه که قرآن در آیه ۲۸ سوره آل عمران: «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» مگر اینکه از آنان بپرهیزید و تقیه بنمایید.» اجازه فرموده است. شیرازی معتقد به اقتصاد بازار آزاد است و باور دارد مدل اقتصادی اسلام، مدل اقتصاد بازار آزاد است دفتر استفتائات شیرازی در پاسخ به تکلیف مقلدینش برای شرکت در انتخابات پارلمانی عراق چنین گفته است: در شرایط فعلی شایسته است که همگان در انتخابات عراق شرکت کرده و باید اصلح از مؤمنان را انتخاب نمایند.

او در پاسخ به اینکه «آیا می‌توان به جای قمه‌زنی در روز عاشورا، خون خود را اهدا کرد و از ثواب قمه‌زنی بهره‌مند شد؟» می‌گوید: اهدای خون بسیار مطلوب است، لکن هیچ چیز جای قمه‌زدن روز عاشورا را نمی‌تواند بگیرد، لذا مؤمنان و محبان اهل بیت (علیهم السلام) سعی بر آن داشته باشند که روز عاشورا قمه بزنند و روز میلاد حضرت، خون خود را اهدا نمایند.

رابطه با جمهوری اسلامی

شیرازی از جمله مراجع تقلید شیعه ساکن در قم بود که انتقادات عمده‌ای به نظام جمهوری اسلامی دارد. او انتقاداتی در زمینه‌های مختلفی از جمله اعدام‌های ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، ولایت مطلقه فقیه و مسائل فقهی

همانند مباح بودن بازی با شطرنج و ممنوعیت قمه‌زنی با خمینی کرد. دیدگاه‌های خاندان شیرازی متعصبانه است و در تشکیلات مذهبی آنها به مقدسات اهل سنت توهین می‌شود. خاندان شیرازی تفسیری خشن از شعائر مذهبی مثل قمه‌زنی را تبلیغ می‌کنند که باعث «وهن دین» می‌شود. شامگاه پانزده آبان سال ۱۳۹۵، عده‌ای از مأموران امنیتی حکومت ایران به مرکز نشر آثار فرهنگی این روحانی وارد شده و کتاب‌های او را ضبط کردند. صبح روز سه شنبه ۱۵ اسفند سال ۱۳۹۶ مأموران اطلاعاتی ایران خودروی وی را محاصره کرده و او را بازداشت و بعد او را کردند.

اما وی تنها مرجع مقیم قم نیست که قائل به جواز قمه‌زنی است. تفاوت بیت شیرازی با مراجع سنتی دیگر در دو امر است: یکی قدرت رسانه‌ای شیرازی‌ها و دیگری ابراز مخالفت علنی با جمهوری اسلامی. به همین دو دلیل جریان شیرازی‌ها فعلاً موی دماغ جمهوری اسلامی، در شهرهای مذهبی و مگسی که وارد عرصهٔ سیمرغ شده، محسوب می‌شود.

نظر مقام معظم رهبری در خصوص سید صادق شیرازی چیست؟ (خبرگزاری دانشجو)

منظور از تشیع لندنی یا انگلیسی، تشیعی است که مورد تأیید دولت استعماری انگلستان باشد یا حداقل دولت استعماری انگلیس مخالفتی با آن نداشته باشد و در مواردی هم به آن کمک کرده باشد. تشیعی که باعث داغ شدن تنور اختلافات شیعه و سنی شود. تشیعی که شعار جدایی دین از سیاست داشته باشد. آنچه مقام معظم رهبری تحت عنوان تشیع انگلیسی فرمودند، در مورد همه افراد و جریان‌هایی است که به دنبال اختلاف‌افکنی میان مسلمان و پرننگ کردن اختلافات هستند و به اصطلاح آب به آسیاب دشمن می‌ریزند. ایشان در این باره فرمودند: «امروز، هم در بین اهل سنت، هم در بین شیعه، دست‌هایی در کار است برای اینکه اینها را از هم جدا کند؛ همه این دست‌ها هم اگر جست‌وجو کردید، می‌رسد به مراکز جاسوسی و اطلاعاتی دشمنان اسلام؛ نه دشمنان ایران، نه دشمنان شیعه فقط؛ دشمنان اسلام.

آن تشیعی که ارتباط به ام‌آی‌شس انگلیس داشته باشد، آن تسننی که مزدور سی‌آی‌ای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضد اسلامند. ما ۳۵ سال است در جمهوری اسلامی این فریاد را داریم می‌زنیم؛ فقط هم نمی‌گوییم، عمل می‌کنیم. کمکی که جمهوری اسلامی به برادران خود در دنیای اسلام تا امروز کرده است، اغلب کمکی بوده است که به برادران اهل سنت کرده است. ما در کنار فلسطینی‌ها ایستادیم، در کنار مردم مؤمن کشورهای منطقه ایستادیم، چون می‌دانستیم مسئله وحدت، در رأس مسائل اسلامی است.

من توصیه می‌کنم، اصرار می‌کنم به علماء اعلام، به روشنفکران دنیای اسلام، به سیاستمداران دنیای اسلام، این قدر دم از تفرقه نزنند. یک عده‌ای در دنیا دارند پول خرج می‌کنند برای اسلام‌هراسی، برای اینکه چهره اسلام را در دنیا خراب کنند، [آن وقت] ما هم در درون خودمان سعی کنیم چهره یکدیگر را خراب کنیم، تخریب کنیم، مردم را از یکدیگر بترسانیم! این خلاف حکمت است، خلاف سیاست است.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان

بیست و هشتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، ۹۳/۱۰/۱۹۰)

در رابطه با عملکرد سیدصادق شیرازی، جریان شیرازی و شبکه‌های ماهواره‌ای منتسب به ایشان گفتنی است: این جریان عملکرد مناسبی ندارد و تبلیغ تشیع با این رویکرد که به اختلاف میان مسلمانان دامن می‌زند نه تنها به تشیع و اسلام کمکی نمی‌کند، بلکه در مسیر اهداف دشمنان اصل اسلام می‌باشد که به دنبال ایجاد اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان و غارت منابع این کشورها هستند. در حقیقت چنین اقداماتی آب به آسیاب دشمن ریختن است، هرچند تحت عنوان تبلیغ و ترویج تشیع باشد. باید هشیار باشیم و در دام دشمن نیفتیم. کما اینکه مقام معظم رهبری تاکید دارند، به سمتی نرویم که نتیجه‌اش درگیری و اختلاف بین مسلمانان، بین علما و مراجع تقلید و بین طرفداران باشد.

در مجموع روشی که سیدصادق شیرازی دارند، عدم اعتناء به مسأله وحدت اسلامی و عدم همراهی با سیاست‌های نظام در رابطه با این مسأله است. به عنوان مثال در رابطه با شبکه امام حسین^(علیه السلام) که منتسب به سیدصادق شیرازی است، باید گفت: این شبکه مطابق اساسنامه اعلامی، در جهت تبلیغ افکار و اندیشه‌های تشیع در دنیا، راه اندازی شده است و بر اساس اطلاعات منتشره در شبکه و نیز سایت متعلق به این شبکه، تحت اشراف سید صادق شیرازی می‌باشد. ولی برخی اقدامات آن مشکوک است.

جمع‌آوری پول و کمک توسط افرادی معدود و ناشناس آنهم از طریق حساب‌های موجود در انگلیس و آمریکا، تبلیغ اعمالی انحرافی مانند قمه‌زنی به عنوان آموزه‌های اصیل شیعی، عدم موضع‌گیری‌های شفاف در قبال حوادث مربوط به جبهه مقاومت و یا انقلاب اسلامی ایران، انحراف در تحلیل جنایات جریان تکفیری در سوریه به سمت معرفی نمودن اهل سنت به عنوان عاملین اصلی این جنایات، تلاش در جهت اختلاف‌افکنی میان مسلمانان و عدم توجه جدی به مقوله وحدت سنی و شیعه، همراهی کامل شرکت‌های پخش ماهواره‌ای با این شبکه از جمله این ابهامات است.

نکته قابل توجه اینکه در حالی که شبکه‌های خبری برون مرزی ایران مانند پرس تی‌وی، العالم، با اخلال روبرو شده و محدودیت‌هایی برای آنها ایجاد می‌شود، دشمنان اسلام متعرض فعالیت این گونه رسانه‌ها آنهم در کشورهای اسلام‌ستیزی مانند انگلیس، کانادا و آمریکا نمی‌شود؟ برخی از اظهارات مطرح شده در این گونه شبکه‌ها یا افراد منتسب به ایشان در مورد اهل تسنن برخلاف مواضع اصولی نظام و مقام معظم رهبری^(دام ظلّه) در راستای وحدت میان مسلمانان می‌باشد. امری که با اندکی تأمل در شرایط منطقه و جهان به خوبی قابل درک است. چگونه می‌توان با وجود دشمنانی که در صدد به هم زدن وحدت میان مسلمانان و ضربه به اساس اسلام هستند، سخنانی را مطرح نمود که در راستای اهداف دشمنان باشد. به راستی چه کسانی از آسیب دیدن وحدت میان مسلمانان سود خواهند برد؟ جز کسانی که با اصل دین اسلام دشمنی دارند؟

آیا مسلمانان با وجود این همه دشمن که اساس اسلام را هدف گرفته‌اند، شایسته است که به دشمنی و اختلاف‌افکنی میان خود دامن بزنند و با دست خویش دشمن را در رسیدن به اهداف شوم خویش یاری رسانند. از این رو هر موضع‌گیری و رفتار و گفتار در شرایط کنونی که به اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان بینجامد،

دانسته یا ندانسته در راستای اهداف دشمنان اسلام بوده و آبی به آسیاب آنان خواهد بود. البته تعدادی از دفاتر شبکه‌های ماهواره ای که منتسب به سیدصادق شیرازی بودند، بسته شده‌اند.

بنابر بیانیه مورخه ۹۳/۵/۱۲ وزارت اطلاعات، «دلیل پلمپ‌شدن تعدادی از دفاتر شبکه‌های ماهواره‌ای منتسب به شیرازی از جمله شبکه امام حسین^(علیه السلام)، مرجعیت، امام صادق^(علیه السلام) و غیره که در شهرهای تهران، قم، مشهد و اصفهان فعالیت می‌کردند، اختلاف‌افکنی بین پیروان مذاهب اسلامی از طریق توهین و افترا به مقدسات آنها، اهانت به علمای جهان اسلام، اعلام هفته برائت در مقابل هفته وحدت، تبلیغ و ترویج سبک‌های غلط، خرافی و خشن عزاداری برنامه‌های تولیدی این دفاتر بوده است. در حال حاضر ۱۶ شبکه ماهواره‌ای شیعه وابسته به علماء، روحانیون و مراجع تقلید فعالیت دارند.

از جمله این شبکه‌ها می‌توان به شبکه جهانی ولایت وابسته به آیت‌الله حسینی قزوینی از شاگردان و نزدیکان آیت‌الله مکارم شیرازی از مراجع تقلید شیعه در قم، شبکه جهانی هُدُ که در حوزه کودکان فعالیت کرده و وابسته به آیت‌الله شهرستانی، داماد آیت‌الله سیستانی از مراجع تقلید شیعه در نجف است و... اشاره کرد. اما بیشتر این شبکه‌های ماهواره‌ای که با شعار «تشیع» فعالیت دارند، توسط افرادی اداره می‌شوند که به سیدصادق شیرازی مقیم در قم نزدیک‌اند تا جایی که تعداد شبکه‌های ماهواره ای متمایل به سیدصادق شیرازی را به ۱۱ شبکه اعلام می‌کنند.

نگاهی به عملکرد شبکه‌های توقیفی به‌وضوح نشان از عملکرد افراطی و اختلاف‌افکن آنها دارد. برای مثال شبکه جهانی امام حسین^(علیه السلام) در برنامه‌های هفتگی خود بخشی را به‌عنوان لعن عمومی اختصاص داده و در آن به برخی بزرگان اهل سنت لعن می‌فرستادند! از دیگر فعالیت‌های این شبکه، مانور روی بحث قمه‌زنی در مراسم عزاداری امام حسین^(علیه السلام) است؛ در حالی که که بسیاری از مراجع به دلیل نشان دادن چهره خشن و نامطلوب از شیعیان، آن را جایز ندانسته و حتی برخی بر حرمت آن حکم داده‌اند. توجه به این اندازها در شرایطی که برخی گروه‌های تندرو چهره‌ای خشن از اسلام در جهان ارائه می‌دهند، بسیار حائز اهمیت است.

گفتنی است گردانندگان این شبکه مدعی هستند که مجموع شبکه‌های ماهواره ای شیعی عقاید شیعه را مطرح می‌کنند و بستن دفاتر آنها به صلاح نیست. آنها مدعی‌اند مادامی که شبکه ماهواره‌ای «وصال» که به ترویج عقاید طیف تندرو اهل سنت و بعضاً وهابیت می‌پردازد، در استان کردستان دفتر دارد، آنها هم باید بتوانند به تبیین عقاید شیعه آن‌گونه که به آن اعتقاد دارند، بپردازند. این شبکه‌ها چیزی به معارف اسلامی مردم اضافه نکرده و تلاش می‌کردند شعائر افراطی تشیع مانند قمه زنی یا سینه‌زنی دائم را ترویج کنند.

بستن دفاتر این شبکه‌های تفرقه‌افکن به این خاطر نبوده و هم اکنون شبکه‌های دیگری هم در ایران هستند که با شیوه کار صحیح به فعالیت خود ادامه می‌دهند. برخی از این شبکه‌ها فعالیت بیش از ۵ ساله داشته و حتی ۵۰۰ بار هم از مسئولان و علماء تذکر گرفته‌اند که کارتان تفرقه‌افکنی در جهان اسلام است. مهم نیست این شبکه‌ها بازهم با پشتیبانی‌هایی در خارج از کشور پخش شوند، مهم این است که به جمهوری اسلامی ایران

انتساب نداشته باشد و از اسم ایران و قم سوءاستفاده نشود. نسبت‌های ناروا به شخصیت‌های مورد احترام پیروان یک مذهب قابل قبول نیست. البته مباحثه علمی و تجزیه و تحلیل تاریخی قابل احترام است، اما همین کارها نیز باید با تدبیر انجام شود.

فعالیت‌های افراط‌گونه این شبکه‌های ماهواره‌ای اثرات تخریبی برای جهان اسلام به‌دنبال دارد. هر غیرمسلمانی که مخاطب این شبکه‌ها بشود، شاید به این باور برسد که مسلمان‌ها از اخلاق و منطق به دورند. البته برخی از مطالبی که از آیت الله سید صادق شیرازی در مخالفت با انقلاب و رهبری مطرح می‌شود! عمدتاً به دلیل برخی اختلاف دیدگاه‌های فقهی و یا اختلاف سیاسی می‌باشد. برخی از مستندات هم که مطرح می‌شود، مطالب دوپهلوی و چندپهلویی هستند که گاه حتی با غرض دیگری مطرح شده‌اند. اما اینها را در قالب دشمنی با نظام و انقلاب عرضه کرده‌اند.

مقام معظم رهبری^(دام‌ظله) در رابطه با اشخاص کمتر اظهارنظر می‌فرمایند و اغلب شاخصه‌ها را تبیین می‌نمایند و تطبیق مصادیق و اشخاص با شاخصه‌ها بر عهده افراد می‌باشد. در زمینه تشیع انگلیسی نیز ایشان همواره روشنگری‌های لازم را داشته‌اند: «امروز اتحاد اسلامی، برادری اسلامی، هم‌بستگی اسلامی، یکی از لازم‌ترین و واجب‌ترین وظایف همه جوامع اسلامی است و بایستی همه به این وظیفه ملتزم باشیم و نباید به وحدت، به چشم تاکتیک نگاه کرد؛ وحدت یک اصل اسلامی است.»^(۱۴۰۱/۴/۳) مقام معظم رهبری^(دام‌ظله) معتقد است هر چیزی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه‌های مسلمان حرام بوده و خدمت به گروه‌های کافر و مشرک، خیانت به اسلام است.

دستور قرآن کریم بر وحدت با تکیه بر مشترکات

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب سید صادق شیرازی می‌گوید: «در قرآن سب وجود دارد: «عُتِلَ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ؛ با این همه عیب، باز متکبر است و خشن، با آنکه حرامزاده و بی‌اصل و نسب است.» (قلم/۱۳) چنان‌که لعن در چندجای قرآن کریم ابراز شده است.» (سایت ادیان نیوز، پاسخ محکم به شبهه صادق شیرازی، ۲۸ مهر ۱۳۹۴)

در پاسخ باید گفت: اولاً مسئله لعن با سب فرق می‌کند؛ لعن به معنای راندن و دور کردن از خوبی است و «سَبَّ» در لغت به معنای شتم و دشنام و توصیف کردن دیگری را به آن‌چه نقص و خواری او باشد است. خداوند متعال سبّ به معنای شتم و دشنام را منع کرده، می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ و شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید، تا مبادا آنها هم از روی دشمنی و نادانی خدا را دشنام دهند.» (انعام/۱۰۸) (صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۲۵۴، بیروت، عالم الکتاب، چاپ اول) راغب اصفهانی در مورد معنای لعن می‌گوید: «لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است. لعن اگر از طرف خداوند باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع از قبول رحمت و توفیقش است و اگر از طرف انسان باشد، به معنای دعا و نفرین و درخواست بر ضرر غیر است.» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۷۴۱، بیروت، دار القلم، چاپ اول؛ ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، ج ۲، ص ۲۴۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول؛ ابن درید، محمد بن حسن، جمهره اللغة، ج ۱، ص ۶۹، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ اول)

بنابراین لعن به معنای بیزاری از اعمال زشت یک فرد و دعا برای دور شدن او از رحمت خدا جایز است. اما از آنجایی که لعن و سب به برخی از صحابه دست‌آویز برخی حاکمان اهل سنت برای کشتار شیعیان در طول تاریخ بوده است، بنابراین علماء بزرگ شیعه معتقدند که از جمله راه‌حل‌ها برای جلوگیری از کشته‌شدن مسلمانان، رها کردن سب و لعن‌های بزرگان و مقدسات سایر مذاهب است. همچنین سب و لعن به مقدسات سایر مذاهب از جمله عوامل شکل‌گیری گروه‌های تندرو، همچون القاعده و داعش شده است. مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) معتقد است هر چیزی که موجب برافروختن آتش اختلاف میان مسلمانان شود و نیز اهانت به مقدسات هر یک از گروه‌های مسلمان، خدمت به گروه‌های کافر و مشرک و خیانت به اسلام و حرام است. (اسلام علیه استکبار است نه ادیان دیگر؛ پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای)

برخی نیز استدلال کرده‌اند که حفظ نظام اسلام در گرو حفظ وحدت مسلمانان و جامعه اسلامی است و حفظ این اتحاد بدون احترام به مقدسات دیگر مسلمانان امکان‌پذیر نیست. مسلمانان با در نظر گرفتن همین مصلحت باید از هرگونه اهانت و توهین به افراد مورد احترام مذاهب دیگر پرهیز کنند. پس ضروری است که صلح و سلام را نسبت به جنبش‌ها و حرکتهایی که در جهان اسلام در حال فعالیت هستند، حفظ کنیم، زیرا اولاً این صلح و آرامش موجب توجه و التفات مردم می‌شود و ثانیاً موجب خویشتن‌داری دشمنان می‌گردد. امیرالمؤمنین^(علیه‌السلام) به اصحاب‌شان فرمودند: «إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَابِينَ؛ ناپسند می‌دانم که شما دشنام‌دهنده باشید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶)

پس دشنام‌گویی و تجاوز از حق، موجب تنفر دوستان و قدرت دشمنان می‌شود و چنین معنایی مطلوب نیست، لذا دشنام فایده و حاصلی ندارد و انسان در مواجهه با دشمنان باید این نکته را رعایت کند که با نیکوترین روش پاسخ‌گوی آنها باشد، قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ نیکی و بدی یکسان نیست. [بدی را] با بهترین شیوه دفع کن؛ [با این برخورد متین و نیک] ناگاه کسی که میان تو و او دشمنی است [چنان شود] که گویی دوستی نزدیک و صمیمی است.» (فصلت/۴۱)

قرآن می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا». اعتصام به حبل‌الله برای هر مسلمان یک وظیفه است؛ اما قرآن اکتفا نمی‌کند به اینکه ما را به اعتصام به حبل‌الله امر کند، بلکه به ما می‌گوید که اعتصام به حبل‌الله را در هیئت اجتماع انجام بدهید؛ «جميعاً»؛ همه با هم اعتصام کنید و این اجتماع و این اتحاد، یک واجب دیگر است. بنابراین، علاوه بر اینکه مسلمان باید معتصم به حبل‌الله باشد، باید این اعتصام را به همراه دیگر مسلمان‌ها و هم‌دست با آنها انجام دهد. ما این اعتصام را درست بشناسیم و آن را انجام دهیم. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى». این، اعتصام به حبل‌الله را برای ما معنا می‌کند. تمسک به حبل‌الله چگونه است؟ با ایمان بالله و کفر به طاغوت. امروز طاغوت اعظم در دنیا، رژیم ایالات متحده آمریکا و اسرائیل است.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۵/۳)

اتحاد مسلمین به معنای انصراف از عقاید خاص نیست

«مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی می‌تواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «و لاتنازعوا فتفشلوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد.» (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵ / ۵ / ۳)

«اتحاد مسلمین، به معنای انصراف مسلمین و فرّق‌گوناگون از عقاید خاص کلامی و فقهی خودشان نیست؛ بلکه اتحاد مسلمین به دو معنای دیگر است که هر دوی آن باید تأمین بشود: اول اینکه فرّق‌گوناگون اسلامی (فرّق سنی و فرّق شیعه) - که هر کدام فرّق مختلف کلامی و فقهی دارند - حقیقتاً در مقابله با دشمنان اسلام، هم‌دلی و هم‌دستی و هم‌کاری و هم‌فکری کنند. دوم اینکه فرّق‌گوناگون مسلمین سعی کنند خودشان را به یکدیگر نزدیک کنند و تفاهم ایجاد نمایند و مذاهب فقهی را با هم مقایسه و منطبق کنند. بسیاری از فتاوی فقهاء و علماء هست که اگر مورد بحث فقهی عالمانه قرار بگیرد، ممکن است با مختصر تغییری، فتاوی دو مذهب به هم نزدیک شود.» (بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۶۸ / ۷ / ۲۴)

* وحدت یعنی ایستادگی متحدانه در برابر دشمن مشترک

امروز منطقه جغرافیایی مسلمانان، مهم‌ترین مناطق عالم است. کشورهای آنها از لحاظ طبیعی، جزء ثروتمندترین کشورهای عالم است. امروز دروازه آسیا به اروپا، دروازه اروپا به آسیا و آفریقا، آفریقا به اروپا و آسیا، متعلق به مسلمانان است. این منطقه سوق‌الجیشی و سرزمین‌های بابرکتی که در اختیار مسلمانان است، امروز حامل و حاوی امکاناتی چون نفت و گاز و امثال اینها است که بشر برای تمدن خود، به‌صورت روزمره به آن احتیاج دارد. یک میلیارد و چند صد میلیون نفر مسلمان هستند؛ یعنی بیش از یک پنجم مردم دنیا. این همه جمعیت، در چنین منطقه‌ای؛ آنها هم با برافراشته شدن پرچم اسلام در قلب این منطقه - یعنی در ایران اسلامی که امروز قلب و مرکز اصلی دنیای اسلام است - چرا باید از این استفاده نشود؟ این، یک امکان بزرگ در اختیار مسلمانان است.

وقت آن رسیده است که دنیای اسلام به خود آید و اسلام را به‌عنوان صراط‌المستقیم الهی و راه نجات انتخاب کند و در آن، با استحکام قدم بردارد. وقت آن رسیده است که دنیای اسلام، اتحاد خود را حفظ کند و در مقابل دشمن مشترکی که همه گروه‌های اسلامی، آسیب آن دشمن را دیده‌اند - یعنی استکبار و صهیونیسم - به‌طور متحد بایستد، شعارهای واحدی بدهد، تبلیغ واحدی بکند و راه واحدی را بپیماید. ان‌شاءالله مورد تأیید پروردگار و مورد حمایت قوانین و سنن الهی هم خواهد بود و پیش خواهد رفت.

هدف از این کار آن است که با شعار وحدت مسلمین، که شعار درست و ضروری‌ای هم است و من از قدیم این اعتقاد و تفکر را داشتم و دارم و آن را یک مسأله‌ی استراتژیک می‌دانم - یک مسأله تاکتیکی و مصلحتی هم نیست که حالا بگوییم مصلحت ما ایجاب می‌کند که با مسلمین غیرشیعه ارتباطات داشته باشیم - مسلمانان،

به تدریج این اختلافات مذهبی و طایفه‌یی را کم کنند و از بین ببرند؛ چون در خدمت دشمنان است. ما با این انگیزه صحیح، مسأله وحدت مسلمین را در جمهوری اسلامی، یک مسأله اساسی قرار داده‌ایم.» (یانات در دیدار مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۷۶/۵/۱)

جواب سربالای شیرازی به طلاب تبریزی در مورد شهادت حاج قاسم^(د)

سیدصادق شیرازی در برابر درخواست استفتاء طلاب تبریزی در خصوص تبری از ترورکنندگان شهادت حاج قاسم سلیمانی سکوت پیشه کرده و مهر تأیید تلویحی به این جنایت آمریکا زده است. به گزارش تبریز بیدار، حال که بعد از چند روز از شهادت فاتح حرمین اهل بیت^(علیهم السلام) شهید حاج قاسم سلیمانی^(د) می‌گذرد و هم-چنان جناب سید صادق شیرازی مدعی مرجعیت و لیدر جریان تشیع لندنی سکوت پیشه کرده، جمعی از طلاب و هیئت‌های حسینی در استان آذربایجان شرقی از وی به‌صورت کتبی و هم از طریق سایت رسمی او، استفتاء کردند تا نظر خود را اعلام کند و بعد از چند روز انتظار جوابی نیامد.

یقیناً جواب ندادن او، تأیید بر ترور فاتح حرمین محسوب می‌شود و مشخص خواهد شد اینقدر که از تولی و تبری دم می‌زنند منظورشان از تولی چه کسانی است و تبری از چه کسانی؟! گفتنی است علاوه بر سکوت چند روزه این مرجع نمای انگلیسی، هیئت‌های همراه با این جریان نیز نسبت به این شهادت بزرگ سکوت کرده‌اند تا عیار ادعای دفاع از تشیع و حرم اهل بیت^(علیهم السلام) مشخص شود.

جریان شیرازی علیه مقاومت فلسطین

مواضع شیعه انگلیسی در قبال بحران اخیر غزه کاملاً هم‌سو و هم‌راستا با منافع غرب است جریان شیرازی که سال‌ها پیش مخالفت خود با آرمان قدس را در تغییر نام روز قدس به روز نصرت عسکرین^(علیهما السلام) عیان کرده بود، این بار در حماسه طوفان الأقصى، هم‌صدا با اسلام امریکایی به جای حمایت از مسلمانان مظلوم فلسطین، خود را پشت نقاب صلح و سازش پنهان کرد. این جریان حدود یک هفته پس از عملیات طوفان الأقصى، واکنش‌های غیرمستقیم و سپس مستقیمی را آغاز کرد. واکنش‌های غیرمستقیم آنها از سوی شخص سید صادق شیرازی در یکی از سخنرانی‌هایش در قم صورت گرفت.

او گفت: «هویت اسلام تمایل به صلح و دوری کامل از روش‌های خشونت‌آمیز است. ... روش‌های متعددی برای مواجهه با خشونت یا ایستادگی در برابر نیروی ظالم وجود دارد. این روش‌ها خشن نیستند، مسالمت‌آمیز هستند. از جمله تظاهرات و اعتراض. ... سیاست پاسخ به تجاوز، در اسلام موجود است، اما در چهارچوب دفاع از خود است! و نه شروع کردن شراره جنگ. همه جنگ‌های پیامبر دفاعی بوده است و مسلمانان شروع‌کننده نبودند. اسلام به کسی تعدی نمی‌کند. اگر علیه اسلام جنگی به وقوع بپیوندد با کم‌ترین نیرویی، دشمن را در حد خود متوقف می‌کند. پس هدف کشتن دشمن یا از بین بردن او نیست. فقط متوقف کردن دشمن است.»

سخنرانی سید صادق شیرازی که تنها چند روز پس از عملیات طوفان الأقصى ایراد شد، به‌طور مشخص به تحولات مربوط به فلسطین و رژیم اشغالگر اشاره دارد. او در سخنرانی خود درباره «هویت صلح‌طلب اسلام» سخن می‌گوید. با اینکه نامی از فلسطینی‌ها نمی‌برد، اما از فحوای سخنش مشخص است که طوفان الأقصى را عملیاتی دفاعی نمی‌داند و معتقد است مبارزان فلسطینی خودشان شراره جنگ را برافروخته‌اند. اگر هم بفرض، جنگی علیه آنها به وقوع پیوسته، فقط باید صهیونیست‌ها را، در حد تجاوزشان متوقف می‌کردند و حق کشتن آنها را نداشتند! با این منطق، این فلسطینی‌ها هستند که به اسرائیلی‌ها و خانه و کاشانه آنها تجاوز کردند. در این چهارچوب باید ۷۵ سال غصب زمین، کشتار، قتل و محرومیت و محاصره را فراموش کنید. چون تاریخ از آن-جا شروع نمی‌شود! و ضرورتی به پرداختن به گذشته وجود ندارد!!

موضعی مطابق با موضع غرب علیه حماس

اما موضع‌گیری‌های کنایه‌آمیز سید صادق شیرازی علیه حماس و عملیات طوفان الاقصی به اینجا محدود نشد. وی در سخنرانی دیگری در ۱۷ اکتبر در راستای تبلیغات غربی‌ها که حماس را متهم به کشتار غیرنظامی‌ها و کشتن ده‌ها زن و کودک می‌کردند، مدعی شد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) در طول حکومت‌های خود «حتی یک زن را نکشتند». او روز بعد در سخنرانی دیگری با تعبیری که به‌طور غیرمستقیم حماس را جنگ‌طلب و شروع‌کننده جنگ در فلسطین می‌دانست، دوباره تأکید کرد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت امیر (علیه السلام) در هیچ جنگی شروع‌کننده نبودند.

شیرازی در سخنرانی ۱۹ اکتبر خود هم در راستای غیرمشروع دانستن جنگ ابتدایی و ناروا بودن کشتن کافرانی که متجاوز نیستند، به‌طور ضمنی صهیونیست‌های کشته‌شده در روز ۷ اکتبر را «مظلوم» خواند و گفت: «المظلوم مظلوماً حتی لو کان کافراً. فلو کان الکافر غیرمستحقّ للقتل و قتلوه فهذا لا شک مظلوم و المظلوم لایوجد له اصطلاح شرعی خاصّ، بل ما یفهمه العرف و هذا هو الملاک. فالمظلوم موضوع، و حکمه آنه لایجوز قتل المظلوم و لایجوز التعدّی علی أمواله». او در ۲۱ اکتبر نیز تکرار کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در تمام دوران حکومت خود، جنگی را آغاز نکرد. او اسلام را دین رحمت و صلح خواند که به جنگ ترغیب نکرده است.

اگرچه سید صادق شیرازی موضع خود نسبت به عملیات شجاعانه حماس را با تعبیری کنایه‌آمیز و بدون اشاره مستقیم به قضیه فلسطین در روزهای پس از ۷ اکتبر بارها اعلام کرد، افراد و سازمان‌هایی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به وی پیوند دارند، به‌صورت روشن و صریح خط فکری جریان شیرازی را در این باره اعلام کردند. «سازمان جهانی بدون خشونت (مسلمان آزاد)»، یکی از سازمان‌های رسمی وابسته به بیت شیرازی، مستقر در واشنگتن و بخشی از مدعیان ویتترین صلح‌طلبانه این جریان است.

این سازمان در روز ۲۴ اکتبر و در راستای کمپین قدرتمند سیاستمداران و رسانه‌های غربی که با «تروریست» خواندن حماس، نسل‌کشی مردم فلسطین به دست رژیم صهیونیستی را توجیه می‌کردند، با انتشار بیانیه‌ای از «گروه‌های افراط‌گرا» و «تروریستی» انتقاد کرد. این بیانیه با محکوم کردن هرگونه خشونت خواستار

«خشک شدن منابع گروه‌های خشونت‌گرا و تروریستی» شد. المجلس الاسلامی لعلماءالدین (GIC) مستقر در نجف اشرف و مدیریت آن بر عهده شیخ صالح سیبویه نماینده رسمی آقای شیرازی در اروپا است. این مجلس اگرچه خود را به‌طور رسمی به بیت شیرازی منسوب نمی‌کند، اما بیشتر حاضران در مجلس مرکزی آن، از افراد شاخص جریان شیرازی هستند.

این مجلس که به روشنی وابستگی خود به خاندان حاکم در امارات را نشان داده، از جمله مجلس‌های به اصطلاح علمایی است که برای پروژه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تأسیس شده و بارها در محکومیت هولوکاست و حمایت از رژیم صهیونیستی موضع‌گیری کرده است. این مجلس در نهم اکتبر، یعنی تنها دو روز پس از عملیات طوفان الأقصى، طی بیانیه‌ای که به امضای ۲۰۹ عضو از ۱۴۷۰ عضو این مجلس رسید، اقدام گروه حماس را «تروریستی» خوانده و محکوم کرد.

در بیانیه این مجلس هم‌سو با تبلیغات صهیونیست‌ها که تلاش می‌کردند حماس را برابر با داعش جلوه دهند، آمده است: «ما به خانواده‌های قربانیان تسلیت می‌گوییم و از جامعه بین‌المللی به نمایندگی از رهبران جهانی و مذهبی می‌خواهیم که در کنار مردم یهود در مبارزه علیه تروریسم اسلام‌گرای داعش که توسط حماس انجام می‌شود، بایستند.» این مجلس همچنین در بیانیه خود مسلمانان را از هرگونه کمک مادی و معنوی و حتی دعا کردن برای حماس پرهیز می‌دهد. از منظر المجلس الاسلامی لعلماءالدین که مستندا برخی اعضای آن با شخصیت‌های صهیونیست و پروژه آبراهام ارتباط دارند، قوای فلسطینی که از خاک و حق خود دفاع می‌کنند، به موازات اسرائیلی‌ها بوده و ظالم و مظلوم یکی هستند.

این مرکز نیز در چهارچوب اندیشه‌های فکری خط شیرازی و رهبر آن حرکت می‌کند و چنین موضعی بخشی از چهارچوب اتخاذ شده توسط آنها است. این مجلس به اصطلاح علمایی، در این بیانیه رسماً به خوش‌خدمتی خود برای امریکا و جامعه یهودیان حتی پیش از توافق ابراهیم و عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی اشاره می‌کند و می‌افزاید: «در سال ۲۰۲۰ و قبل از توافق ابراهیم، این مجلس اولین شورای علمایی بود که با همکاری فرستاده ویژه وزارت خارجه ایالات متحده برای نظارت و مبارزه با یهودستیزی، تعریف اتحادیه بین‌المللی یادبود هولوکاست از یهودستیزی را پذیرفت و متعهد به مبارزه با همه اشکال افراط‌گرایی و تروریسم اسلامی شد.» محمد توحیدی با شیخ صالح سیبویه، نماینده بیت شیرازی در حوزه بین‌الملل، مهم‌ترین چهره‌های مجلس علماءالدین هستند که تاکنون سفرهای بین‌المللی گوناگونی را با عنوان مدیر و معاون این مجلس انجام داده‌اند.

موضع جریان شیرازی درباره عملیات طوفان‌الاقصی و گروه‌های نظامی مقاومت فلسطین را به‌صورتی عریان می‌توان در اظهارنظرهای محمد توحیدی، از شاگردان شناخته‌شده سید صادق شیرازی و معاون مجلس علماءالدین دید. اگر در روزهای اخیر صفحه محمد توحیدی در شبکه اجتماعی ایکس را نگاهی بیندازید، خواهید دید که این به ظاهر عالم دینی شیعی معمم، توثیتی را برای تجلیل از محمد بن زاید و افتخارات و دستاورهای اماراتی‌ها می‌زند، توثیت دیگر خود را به حمله علیه حماس و مردم مقاوم فلسطین و حمایت از اسرائیل اختصاص

می‌دهد. برخی توثیقات‌های وی از جمله مطالب مرتبط با سخنرانی اخیر وی در ماه سپتامبر در واشنگتن، در یک اجلاس یهودی، توسط روزنامه صهیونیستی جروزالم پست هم بازنشر داده شده است.

توحیدی در واکنش به پست تیرانا حسن، مدیر اجرایی دیده‌بان حقوق بشر در شبکه اجتماعی ایکس که خواستار تحقیق در مورد فاجعه بیمارستان المعمدانی شده بود، ضمن حمایت از رژیم صهیونیستی، گروه مقاومت جهاد اسلامی را تروریست دانسته و نوشت: «جهاد اسلامی مسئول شلیک این موشک (به بیمارستان المعمدانی) است، اما شما، تروریست‌ها را مسئول نمی‌دانید.» توحیدی که خود را «امام صلح» معرفی می‌کند، در مطالب دیگر خود در شبکه ایکس بارها گروه مقاومت اسلامی حماس را یک گروه تروریستی چون داعش و حتی بدتر از آن و رزمندگان آن را تروریست توصیف کرده است. توحیدی زمانی که از سوی کاربران نسبت به عدم محکومیت حملات رژیم صهیونیستی به غزه و قتل‌عام مردم آن مورد انتقاد قرار گرفت، بار دیگر بدون محکوم کردن جنایات رژیم، حماس را مسئول همه اتفاقات دو دهه اخیر در فلسطین دانست.

حملات تند توحیدی نسبت به حماس، جهاد، ایران و به‌طور کلی جبهه مقاومت در حالی صورت می‌گیرد که وی نسخه صحیح حل بحران فلسطین را در وادادگی سران برخی کشورهای عربی و به‌خصوص امارات می‌داند و در این مدت تمام قد از امارات و اقدامات آن دفاع و قدردانی کرده است. توحیدی که توثیقات‌هایش به لحاظ تعداد و محتوا دست‌کمی از صفحات چهره‌های رسانه‌ای شناخته‌شده صهیونیستی ندارد، از یک‌سو با انتشار تصاویر جعلی رهبران حماس که با هوش مصنوعی تولید شده است، آنها را افرادی مرفه نشان می‌دهد که از درد و رنج مردم فلسطین بی‌خبر هستند و از سوی دیگر با تبلیغ کالاهای صهیونیستی چون استارباکس، برای شکست کمپین‌های تحریم این کالاها تلاش می‌کند.

دورویی در رفتارهای رسانه‌ای

جریان شیرازی در رویکردهای رسانه‌ای خود رفتاری دوگانه دارد. رسانه‌های این خط و رهبران آن در ایران، تأکید ویژه بر سنی‌ستیزی از خود بروز می‌دهند و در عمل هواداران خود را نیز به این سمت سوق داده‌اند. عدم حمایت از مردم مظلوم فلسطین با همین رویکرد سنی‌ستیزانه از سوی وابستگان به این جریان توجیه می‌شود. اما رویکرد نمایندگان جریان شیرازی در اروپا و آمریکا کاملاً متفاوت است. آنها در اروپا و آمریکا در کنار افرادی که در داخل ایران به‌عنوان دشمن معرفی می‌شوند، یعنی اهل سنت و یهودیان قرار می‌گیرند، روابط دوستانه علنی و رسانه‌ای دارند و پروژه‌های مشترک با عناوین چشم‌نوازی چون «صلح جهانی» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» انجام می‌دهند!

تنها برای آنکه کمی این سیاست دورویی رسانه‌ای به تصویر کشیده شود، از این سیاست مستمر و حیاتی جریان شیرازی نمونه‌ای می‌آوریم. شیخ صالح سیبویه، مهم‌ترین نماینده بین‌المللی بیت شیرازی و مدیر مجلس علماءالدین، در حالی که بیانیه انگلیسی ۹ اکتبر این مجلس که عملیات طوفان‌الاقصى را حمله‌ای تروریستی

خوانده سانسور می‌کند و اساساً نسخه‌ای عربی از آن منتشر و رسانه‌ای نمی‌شود، بیانیه‌ای عربی به تاریخ ۱۸ اکتبر را از این مجلس در صفحه فیسبوک خود نشر می‌دهد که فاجعه بیمارستان المعمدانی را محکوم می‌کند.

البته این بیانیه عربی نیز هیچ اشاره‌ای به حملات وحشیانه صهیونیست‌ها نکرده و حتی هم‌سو با ادعاهای رژیم صهیونیستی که این حمله را از سوی گروه «جهاد اسلامی» می‌داند، هیچ نامی از عامل این جنایت وحشیانه نمی‌برد و در یک موضع‌گیری مشکوک «همه طرف‌های نزاع و درگیری» را دعوت به دور کردن غیرنظامیان از جنگ می‌کند. با وجود این، همین بیانیه بی‌رمق و مزورانه نیز تنها نسخه عربی دارد و در سایت و صفحه انگلیسی مجلس علماءالدین نسخه‌ای از آن منتشر نمی‌شود تا مبادا مخاطبان انگلیسی جریان شیرازی دچار سوءتفاهم شوند و در موضع کاملاً مخالف شیرازی‌ها علیه گروه‌های مقاومت فلسطین لحظه‌ای شک نکنند.

سایت‌های مرجع:

<http://www.javanonline.ir/fa/news/۸۹۸۸۹۶>

<http://newspaper.fdn.ir/?nid=۲۴۵۶&pid=۳&type=۰>

<http://kayhan.ir/fa/news/۱۲۸۲۱۱>

<http://khorasannews.com/newspaper/page/۰/۶۰۸۲۰۰/۱۶/۱۹۷۷۸>

[yektanet-logo-sign](#) و [yektanet-logo-type](#)

<http://www.shia-news.com/fa/news/۱۳۹۳۳۸>

ShiaWaves Persian. shiawaves.com

www.dw.com.

<https://www.radiofarda.com/a/commentary-on-shirazi-family-and-the-recent-incident-in-iranian-embassy-in-London/۲۹۰۹۱۲۲۲.html>

wikifeqh.ir. ویکی فقه

wiki.ahlolbait.com - دانشنامه اسلامی

<http://persian.shirazi.ir/shownews.php?Code=۳۷۹۷>

<http://persian.shirazi.ir/shownews.php?Code=۳۷۹۳>

<http://farsi.alarabiya.net/fa/iran/۰۷/۰۲/۲۰۱۸/>

http://www.bbc.com/persian/blogs/۱۴۰۶۲۲/۰۶/۲۰۱۴_۱۳۹_nazeran_fetwa_bail_afshari

<http://www.rasaam.net/Fa/News.aspx?i=۱۱>

<http://kadivar.com/?p=۱۶۴۶۹>

Mehr News Agency.

<http://dinonline.com/doc/news/fa/۴۰۲۷/>

«Books». persian.shirazi.ir.